

ایران در میانه دو روایت متضاد

سایه جنگ دوم یامید به مذاکره؟

گمانه زنی درباره حمله دوباره اسرائیل به ایران هنوز ادامه دارد و تحلیلگران در این زمینه اتفاق نظر ندارند. در تازه ترین اظهارنظرها، حسن کاظمی قمی، سفیر پیشین ایران در افغانستان در گفت وگویی تلویزیونی اعلام کرده که «احتمال حمله مجدد به ایران قوی است، زیرا شواهد نشان می دهد که طرف مقابل در حال ترمیم و آماده سازی برای عملیات جدید است.»

پیش از او نیز فؤاد ایزدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، در جمله ای قابل تأمل احتمال حمله دوباره را جدی گرفته و گفته بود: «اگر آمریکا می خواهد از جنگ جلوگیری کند، باید بداند در حمله بعدی، ۲ هزار نظامی اش کشته خواهند شد.»

ابراهیم متقی نیز دیگر تحلیلگری است که در روزهای گذشته و از آنتن صداوسیما پیش بینی حمله مجدد اسرائیل به ایران را کرده بود. به نظر می رسد که اظهاراتی از این جنس، بیش از آنکه تحلیل صرف نظامی باشند، حاوی پیام های بازدارنده برای بازیگران بین المللی باشد.

با این حال، همین تحلیل ها باعث شده فضای سیاسی و رسانه ای ایران به سمت آماده باش کامل پیش برود. در نقطه مقابل، برخی چهره های سیاسی، چشم انداز حمله نظامی را بسیار دور می دانند.

مثلا علی مطهری، نایب رئیس سابق مجلس، در گفت وگویی صریح اعلام کرد: «احتمال حمله دوباره اسرائیل به ایران کم است، چون چنین حمله ای سودی برای اسرائیل ندارد.»

صادق زیبا کلام نیز در شبکه اجتماعی ایکس نوشته بود: «کسانی که امیدوار بودند با حمله اسرائیل، نظام سقوط کند، حالا که این اتفاق نیفتاده، القا می کنند اسرائیل برای عملیات بعدی آماده می شود. اما در واشنگتن و تل آویو خبری از حمله مجدد نیست و برعکس، احتمال سرگیری مذاکرات بیشتر شده است.»

مانع جنگ دوباره

این دوگانگی در روایت ها تنها به تحلیل سیاسی محدود نمی شود، بلکه خود را در وضعیت بازارها و روان عمومی جامعه نیز نشان داده است.

در میان این روایت های سیاسی، یک گزارش اقتصادی معتبر نیز به میدان آمده است. مؤسسه اعتبارسنجی مودیز در گزارشی هشدار داده است که «درگیری مستقیم با ایران می تواند فشار زیادی بر بودجه عمومی اسرائیل وارد کند. ادامه جنگ، رتبه اعتباری اسرائیل را تهدید می کند و رشد اقتصادی آن را تضعیف خواهد کرد.

مودیز نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی اسرائیل را در آستانه ۷۵ درصد برآورده کرده و چشم انداز مالی این کشور را «متفی» ارزیابی کرده است. این مؤسسه همچنین تأکید کرده که حمله مجدد به ایران می تواند زیرساخت های اسرائیل را آسیب پذیر و امنیت سرمایه گذاری در منطقه را به خطر بیندازد.

بازگشت به مذاکره؟

شرایط وقتی پیچیده تر می شود که در نظر داشتیم باشیم، هم زمان با این تحلیل های امنیتی، نشانه هایی از احیای دیپلماسی نیز به چشم می خورد.

دیدارهای اخیر عباس عراقچی با مقامات سعودی، تحلیل های منتشرشده پیرامون مصاحبه مسعود پزشکیان با رسانه های غربی و تحرکات دیپلماتیک غیررسمی، همه از شکل گیری مسیری متفاوت حکایت دارند؛ مسیری که احتمال توافقی حداقلی یا مذاکره اضطرابی را افزایش می دهد.

ناگفته نماند که اظهارات ترامپ درباره عجله نداشتن برای مذاکره با ایران با رویکرد برخی طیف های سیاسی در داخل ایران که اصرار به تعیین پیش شرط برای مذاکره دارند، در این حوزه نیز یک دوگانگی قابل توجه را ایجاد می کند. این دوگانگی نه فقط تحلیلگران را، بلکه افکار عمومی را هم دچار سردرگمی کرده است. سردرگمی که در اقتصاد و بازارهای مختلف نیز به وضوح مشاهده می شود.

پرسش جدی این است که بین دیپلماسی و درگیری، کدام سناریو جدی تر است؟ مرحله دوم جنگ با اسرائیل یا مذاکره اضطرابی یا غربر برای مهار بحران؟ در شرایطی که گزارش هایی از ضعف اقتصادی اسرائیل و تمایل به مذاکره در تهران منتشر می شود، بسیاری از ناظران معتقدند درگیری مجدد فعلا دور از دسترس است.

با این حال، نمی توان از تحرکات نظامی

و بازی های پشت پرده غافل شد.

در نهایت، تنها یک چیز روشن است: جامعه ایران در میانه روایت های متضاد، همچنان چشم انتظار «یک موضع شفاف و تصمیم قاطع» است؛ چه از سوی میدان، چه از سوی دیپلماسی.

پنجشنبه

۲۶ • ۰۴ • ۱۴۰۴
۲۱ محرم ۱۴۴۷
۱۷ جولای ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۱۵۶

«آرمان ملی» حواشی پیرامون مصوبه اخیر شورای عالی فضای مجازی را بررسی می کند

اینترنت طبقاتی!

◀ **رئیس جمهور:** دسترسی به اطلاعات آزاد حق همه مردم است، نه یک طبقه خاص



اطلاعات تقاضای آنها را در یک فضای امن تأمین می کند و هر چه سریع تر باید به مرحله ارائه خدمات از طریق شبکه ملی اطلاعات هم تلاش هایی در جهت این مهم انجام می شد پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر به محاق رفت و به نظر می رسد تا چند مدت نباید شاهد رفع فیلتر شبکه های اجتماعی باشیم. چنانکه سخنگوی دولت نیز در جریان نشست خبری خود به این مهم اشاره کرد که هر چند

که دولت موافق آزادی اینترنت و رفع فیلتر شبکه های اجتماعی است؛ اما جنگ اخیر با رژیم صهیونیستی و سوء استفاده دشمن و همچنین مزدوران داخلی سبب شد تا موضع مخالفان رفع فیلترینگ پیش برود. اما با این حال پرسش دیگری که پیش می آید و بسیاری نیز بر آن تأکید دارند اینکه چرا در شرایط حساس و مواقع ضروری اولین چیزی که قطع می شود اینترنت است و چرا برای برخی اقشار مثل اصحاب رسانه و خبرنگاران نباید شرایطی فراهم شود که بتوانند در چنین شرایطی نیز به کار خود ادامه دهند. گرچه بسیاری از کسب و کارهایی که بر سرتایترنترنت هستند و با قطع اینترنت مشکلات عدیده ای برایشان به وجود می آید نیز معتقدند که باید سازوکار مشخصی در این خصوص اتخاذ شود. با این حال شاهدیم که انکار شو به نحو دیگری سامان می یابد و گویا باید از این به بعد پیش از پیش به پلتفرم های داخلی پردازیم. شبکه ملی اطلاعات که پیش از نیز بسیار در خصوص آن صحبت هایی به گوش می رسید گویا در دستور کار دولت نیز قرار گرفته است. چنانکه محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور در جلسه شبکه ملی اطلاعات گفته است: «باید اطمینان را به کاربران داخلی بدھیم که شبکه ملی

اینترنت طبقاتی؟

روز گذشته بود که خبرهایی در شبکه های اجتماعی و رسانه های رسمی مبنی بر تصویب اینترنت طبقاتی در جلسه شورای عالی فضای مجازی منتشر شد که با واکنش های مختلفی روبه رو شد. این در حالی است که با کمی اطلاعات می توان فهمید آنچه در شورای عالی فضای مجازی تصویب شده است نه اینترنت طبقاتی که تسهیل فعالیت کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال بوده است. گرچه هنوز اطلاعات دقیقی از این آیین نامه و بندهای این مصوبه عمومی نشده است، اما براساس آنچه امیر سیاح، سرپرست معاونت اقتصادی و تنظیم مقررات مرکز ملی فضای مجازی در رویداد «اینترنت و آینده ایران» اعلام کرده بود، قرار است این آیین نامه یکی از مشکلات اصلی کسب وکارها در شرایط بحران یعنی قطع اینترنت را با ارائه اینترنت آزاد به آنها حل کند. این خبر از صبح دیروز انتقاد و اعتراض بسیاری از کاربران و کارشناسان را در پی داشته است. از طرفی آنچه که در

شبکه های اجتماعی در خصوص اینترنت طبقاتی در حال است که دشمن برای این موضوع هم اشاره کنیم که دشمن برای حمله های بیشتر بر روی شرایط داخلی ایران هم برنامه ریزی کرده بود ولی رفتارهای جامعه نقشه های آنها را برآب داد. ما باید دولت را با توجه به شرایط کنونی ارزیابی کنیم و این بررسی ها هم نشان از عملکرد مثبت مسعود پزشکیان دارد. در کنار همه این چالش ها دولت در حوزه سیاست خارجی هم توانست عملکرد خوبی از خود نشان دهد و با سفرهای پرتعداد وزیر امور خارجه نشان دادیم که اهل گفت وگو هستیم و در دیپلماسی ایران همواره باز است. این انسجام باید به نوعی ادامه داشته باشد که دولت بتواند از مشکلات عبور کند و به همین دلیل برای همدلی در کنار دولت حضور داشته باشیم.»

سوالی دارم البته خیلی ها گفتند کسب و کارها

«آرمان ملی» در گفت وگویی مطرح می کند

پاستور در مارپیچ تندروها

مهرداد لاهوتی: برای انسجام در کنار دولت باشیم

آرمان ملی، گروه سیاسی؛ بیش از یکماه از شروع جنگ

می گذرد و باتوجه با اعلام آتش بین پس ایران و اسرائیل ولی تنش هنوز به قوت خود باقی است و هر روز اما و اگرهایی در این رابطه از سوی طرف های درگیر مطرح می شود که هنوز نتیجه ای دربر نداشته است. گزارش های رسانه های غربی از آماده شدن اسرائیل برای حمله دیگر به ایران خبر می دهند آن هم در شرایطی که ارتش این کشور جبهه جنگ جدیدی در منطقه گشوده است و در اقدامی به سوریه حمله کرده است. وضعیت خاورمیانه همچنان به سرعت دچار تغییراتی می شود که می تواند آینده را دستخوش تغییراتی کند. باتوجه به این شرایط باید بگوییم که شرایط در داخل مرزهای ایران با انسجام ملی بین مردم و مسئولان در حال مدیریت شدن است و باتوجه به رخ دادهای آینده همه پیرسان موضوع که در انسجام باید قوی تر باشد، اجماع دارند و سعی می کنند

که اگر انتقادی هم مطرح می شود آنچنان باشدت نباشد. در برابر اما تندرورها همچنان در حال تخریب دولت و چهره های دیپلمات هستند و معتقدند که دلیل جنگ ضعف مقامات و التماس برای مذاکره است. در مورد اینکه دولت در روزهای بعد جنگ چه عملکردی داشته با یکی از نماینده های مجلس گفت وگویی انجام داده ایم. لاهوتی معتقد است که برای تقابل با دشمن باید در کنار دولت باشیم. در ادامه بیشتر می خوانید.

در کنار دولت باشیم

مهرداد لاهوتی، نماینده مجلس شورا و تحلیلگر مسایل

سیاسی در پاسخ به این سوال که عملکرد دولت بعد از حمله غربی ها به ایران را چگونه ارزیابی می کند، به خبرنگار «آرمان ملی» می گوید: «اگر کمی به عقب بازگردیم می بینیم که از ابتدای شروع به کار دولت چهاردهم اسرائیل تروورها را در داخل خاک ایران در دستور کار قرار داد که همین مورد باعث شد همه شرایط دشواری را برای دولت پیش بینی کنند ولی کابینه دولت طبق برنامه توسط مسعود پزشکیان در بهارستان معرفی شد. در کنار حملات و التماس برای اسرائیلی ها شاهد بودیم که تحریم های آمریکا در این مدت

armanmeli.ir

آرمان ملی

اینترنت طبقاتی!

نباید استفاده کنند؛ اما می خواهم بگویم که در آن لحظه به شدت اتفاقات عجیب و غریبی برای بخشی از کسب و کارها افتاد و در سیستم شان باگ افتاد و واقعا در آن لحظه برای باگ گیری نیاز به اینترنت بین الملل داشت که اگر نمی توانستند این کار را انجام دهند و برخی نیز نتوانستند که این میتواند روی سرویس دادن به میلیون ها آدم تأثیر می گذارد. وی افزود، چه باید کرد؟ حاکمیت نیز حق دارد؛ اما صادقانه بگویند باید چه کرد؟ برخی تصور می کنند که کسب و کارها وسط جنگ می خواهند محصول خود را توسعه دهند. در حالی که اصل اینکه نیست. الفت نسب بیان کرد: اول و آخر این است که دولت و حاکمیت باید بداند که اینترنت امروز اینترنت ده یا بیست سال پیش نیست و حتی اینترنت پنج سال پیش هم نیست مثل کالاهای اساسی یک نیاز برای همه مردم است و برای من و کسب و کارهای آنلاین از همه بیشتر نیاز است. وی تصریح کرد: این بدان معنی نیست که اینترنت طبقاتی شود. حال ما بگوییم می گویند حمایت می کنید در حالی که اگر توقع دارید درب کسب و کار خود بین الملل مواجه بود بدون خلل و اشکال در کار به اینترنت آزاد دسترسی داشته باشند تا بتوانند به نحو احسن کارهای خود را انجام دهند. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز با اعلام موضع صریح دولت مبنی بر آزادی اینترنت، تأکید کرد: «تاقبل از دستیابی به این موضوع، اگر خبرنگاری نیاز به اینترنت آزادتری دارد، باید این امکان را فراهم کرد. لذا امور را نمی توان تا حل موضوعات اساسی متوقف کنیم، هر چند تأکید می کنم که حق مردم دسترسی به اینترنت آزاد است و نگذاشت دولت نیز همین است.» حال اینکه این رویه تا چه میزان می تواند تأثیرات منفی و نامطلوب در جامعه بگذارد مساله مهمی است که قابل بحث و بررسی است.

اینترنت: کالای اساسی

رئیس اتحادیه کسب و کارهای مجازی در خصوص اینترنت طبقاتی و تأثیرات قطع اینترنت بر کسب و کارها اظهار داشت: «دولت بر بعدی می دانم که مساله اینترنت طبقاتی صحت داشته باشد. صحبت اینترنت طبقاتی چند بار مطرح شد، اما از منبع دقیقی هنوز این خبر تأیید نشده است. صحبت همیشگی این بوده که اینترنت در دسترس همه مردم باشد؛ حالا خودریم به موقعیتی مثل جنگ که اینترنت را جوری بستند که هیچکسی نتواند استفاده کند. رضا الفت نسب به «آرمان ملی» گفت: من سوالی دارم البته خیلی ها گفتند کسب و کارها

تخریب نشود و این انسجام ملی حول مقابله با دشمن اصلی یعنی آمریکای جنایتکار باشد. عده ای در حال سفیدشویی دشمن هستند، آن ها تلاش دارند تا بین اسرائیل و آمریکا تفکیک قایل شوند که این وضعیت ناشی از جهل و خیانت آن هاست چرا که جنایتکار اصلی آمریکا است که در این راستا برخی رسانه ها و مقامات دولتی نیز به دنبال این هستند که شعار «مرگ بر آمریکا» را حرف کنند، همانطور که شاهد بودیم رسانه ای عکسی از نتانیاها و ترامپ منتشر کرد که دستان نتانیاها و غنچه به خون و دستان ترامپ خونی نبود و در ادامه هیات نظارت نیز به این رسانه تذکر داد. این آمریکا بود که به خاک کشورمان حمله کرد و پاسخ گوینده ای نیز دریافت کرد، از این پس نیز پاسخ یابد گوینده تر از قبل باشد.»

سنگ اندازی متوقف شود

در سوی دیگر هم می بینیم که برخی از چهره های اصلاح طلب هم باتوجه به شرایط جامعه و بین الملل در کنار انتقادی که مطرح می کنند راه حل ها را هم اضافه می کنند تا به نوعی دولت را همراهی کرده باشند. در این مورد محمدرضا بادامچی، چهره سیاسی اصلاح طلب با انتقاد از تخریب دولت در این شرایط جنگی به ایسنا اظهار کرد: «به رغم این همه امتیازی که دولت به گروه های مقابل خود می دهد، اما متأسفانه شاهد هستیم که سنگ هایی را بیش پای دولت می اندازند. سنگ اندازی ساسب شده تا موفقیت های دولت به عقب انداخته شود. تلاش شخص رئیس جمهور برای تحقق شعار وفای ملی غیر قابل کتمان است. رئیس جمهور بسیار برای ایجاد وفای و همدلی در کشور تلاش کرده است. حتی این روزها که کشور در شرایط بسیار حساسی قرار دارد، رئیس جمهور به شکل همه جانبه برای ایجاد این وفای و همدلی در تلاش است. به عنوان مثال توثیقی که رئیس جمهور نوشت و تأکید کرد که درهای دیپلماسی هنوز باز است، عالی بود اما من احساس میکنم، رئیس جمهور باید بیشتر تلاش کند. انتظار می رود تا رئیس جمهور در برابر مخالفان خود جسورانه تر گام بردارد. باید بتواند گوش های اطراف خود را برای اجرای سیاست ها مجاب کند.»

سیاست

گزارش

روایت علی شکوری راد در مواجهه صداوسیما با جامعه در جنگ ۱۲ روزه

به جای ارائه تحلیل، شعار می دهند

تریبون دارها باید به تقویت اقتدار ملی کمک کنند

یک فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص نوع مواجهه صداوسیما با انسجام ملی ایجاد شده و انتقادات به آن در جامعه اظهار داشت: یک انتقاد اساسی به صداوسیما وارد است؛ مشخص نیست این سازمان دقیقا برای چه کسی کار می کند و ایدئولوژی حاکم بر سیاست های آن از کجا منشأ می گیرد. صداوسیما به گونه ای عمل می کند که انگار مستقل از سایر ارکان حکومت است و صرفا بر اساس خواست و نگاه خود تولید محتوا می کند؛ در حالی که نتیجه این عملکرد، تشویش اذهان عمومی است. علی شکوری راد گفت: نکته تأسف بار این است که نمی دانیم چرا دادستان کل کشور یا دادستان تهران نسبت به اظهارات غیرمسئولانه برخی کارشناسانی که به صداوسیما دعوت می شوند، واکنشی نشان نمی دهند. این کارشناسان گاه مسائلی را مطرح می کنند که با منافع ملی هیچ سنخیتی ندارد. وی افزود: نهاد ناظر بر صداوسیما دقیقا چه می کند؟ به نظر می رسد که این نهاد اساسا تعطیل است و هیچ اقدامی انجام نمی دهد. سیاست هایی که اکنون در صداوسیما اجرامی شود، کاملا وهم آلود و مبهم است و مشخص نیست از کجا هدایت می شود. این سیاست ها به وضوح با رویکردهای دولت به عنوان قوه مجریه ای که مسئولیت بسیاری از امور کشور را بر عهده دارد در تعارض است. حتی به نظر می رسد که قوه قضاییه نیز در قبال این روند، به نوعی به حاشیه رانده شده و فقط مجلس با اکثریتی از نمایدگانی که با رای چهار تا پنج درصدی مردم انتخاب شده اند با این نوع جهت گیری های صداوسیما همراه است. به همین دلیل، به نظر من باید برای این وضعیت چاره اندیشی جدی شود. در حال حاضر، صداوسیما نه تنها نتوانسته مخاطب ایرانی را جذب کند، بلکه عملا مردم را به سمت رسانه های بیگانه و شبکه های اجتماعی سوق داده؛ فضاهایی که دارای منبع باز بوده و هر نوع خبر و محتوایی در آنها پیدای می شود. عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت در خصوص اینکه چه کسی باید برای شل گوری یک تحول اساسی اراده کند اظهار کرد: به نظر من، دولت باید مدی این موضوع شود. دولتی که بار اصلی اجرایی کشور بر دوش آن است و مسئولیت بخش های مختلفی مانند دیپلماسی، تبلیغات و اطلاع رسانی را دارد، باید در این زمینه نقش فعال تری ایفا کند. شکوری راد بیان کرد: من فکر می کنم آقای پزشکیان، شعار «دعوانتکنیم» را به صورت افراطی اجرامی کند. وقتی جایی برخلاف منافع ملی عمل می شود، سکوت دولت در برابر آن، به نظر من نه قابل قبول است و نه قابل اغماض. در چنین شرایطی، مدعی اصلی باید خود دولت باشد. دولت می تواند رسما از صداوسیما به رهبری شکایت کند و موارد تخلف آن را فهرست وار ذکر کند. همچنین از ایشان بخواهد که در این باره به صداوسیما تذکر بدهند. وی در خصوص ملاک انتخاب افرادی که به عنوان کارشناس در صداوسیما دعوت می شوند، ابراز کرد: این ها اغلب اصلا کارشناس نیستند. همند افراد بی تخصصی هستند دار که قالب عنوان «کارشناس» حرف هایی را بیان می کنند که از آنها خواسته شده است. به نظر من، کارشناس واقعی کسی است که دیدگاه مستقل داشته باشد، تحلیل مستقل ارائه دهد، و نظرش بر گرفته از دانش و تجربه خودش باشد نه نسخه ای که از قبل به او داده اند. اما کارشناسانی که صداوسیما دعوت می کند، معمولا جهت دارند و همان چیزی را می گویند که به آنها دیکته شده است. اگر صداوسیما واقعا بخواهد مخاطب جذب کند، باید از کارشناسان مستقل با دیدگاه های مختلف دعوت کند، فضایی برای تضارب آرا ایجاد کند تا مخاطب بتواند از میان نظرات، برداشت مفید و آزادانه خود را داشته باشد.

اجرای افراطی یک شعار!

شکوری راد در خصوص عملکرد صداوسیما در جنگ ۱۲ روزه عنوان کرد: عملکردی غیرواقعی داشت. از طریق صداوسیما هیچ کس نمی توانست پی ببرد و واقعیت بیرون چیست. یعنی صداوسیما بازتاب دهنده واقعیت ها نبود. بسیاری از اخباری که باید منتشر می شدند، اصلا مطرح نمی شدند؛ حتی وارد موضوع نمی شدند. مخاطب احساس می کرد وفتش تلف می شود و اگر بخواهد بفهمد در کشور چه می گذرد، باید به منابع دیگری مراجعه کند. از طرفی، برنامه های شعاری بیش از حد زیاده بود. اشکالی ندارد که در شرایط جنگی، برنامه های تهییجی پخش شود، اما در زمانی که ما نیازمند وحدت ملی هستیم، متأسفانه می دیدیم که بعضی از سرودهایی که اصلا رنگ و بوی ملی نداشتند، بیشتر از سرودهای ملی در صداوسیما پخش می شدند. این نشان می دهد که درک درستی از شرایط جنگی و وضعیت مخاطب در صداوسیما وجود نداشت. وی تصریح کرد: کارشناسانی که دعوت می شدند اغلب دچار خیالپردازی بودند. تقریبا بیشتر آنها چنین وضعیتی داشتند و آنچه می گفتند بیشتر شعار بود تا تحلیل. کارشناس باید بتواند تحلیل ارائه دهد، مخاطب را قانع کند. این فعال سیاسی اصلاح طلب تأکید کرد: تریبون دارها هم باید به تقویت اقتدار ملی کمک کنند. انسجام و همبستگی ای که در میان مردم شکل گرفت، باید توسط این افراد تقویت و نمایندگی شود؛ اما نه با دادن اطلاعات غلط و شعار بلکه با بیان واقعیت هاان هم به زبانی که جلوه ی حضور و نقش مردم را به خوبی منعکس کند. ارائه آمارهای غلط، شعارهای بی پایه و ادعاهای گزاف، کمکی نمی کند. ما با واقعیتی طرف هستیم؛ در یک سو آمریکا ایستاده ابرقدرت جهانی و اسرائیلی که مدرن ترین تکنولوژی ها و تجهیزات نظامی آمریکایی را دارد. این نبرد برابر است. در چنین نبردی، تکیه اصلی ما باید بر اقتدار ملی باشد. البته اقتدار نظامی مهم است، اما اقتدار ملی، یعنی پشتیبانی مردم، بسیار مؤثرتر و تعیین کننده تر است. اقتدار ملی یعنی حکومت بر دل های مردم و این مهم ترین وظیفه تریبون دارهاست که به یادآوری کنند این مردم را پاس بدارد، آنها را غیرخودی نداند، بلکه خود را کارگزار آنان بداند.